



برفت و به جز نام نیکی نبرد

در جامعه‌ای که بر مبنای الگوی اسلامی و مکتب علوی تشکیل شده است، مسلمان نمی‌تواند در برابر نیازها و گرفتاری‌های برادران دینی خود بی‌تفاوت باشد.

در جامعه‌ای که بر مبنای الگوی اسلامی و مکتب علوی تشکیل شده است، مسلمان نمی‌تواند در برابر نیازها و گرفتاری‌های برادران دینی خود بی‌تفاوت باشد.

بلکه با احساس مسئولیت، در پی کمک و رفع مشکلات آنان خواهد بود، تا آنجا که بنابه سخنان امامان معصوم علیهم السلام، کمک به برادر دینی، با 100 مرتبه طواف واجب خانه خدا برابری می‌کند. بر همین اساس، پس از اجرای حکم خدا و پیاده کردن احکام الهی، خدمت به محرومان، از شیرین‌ترین عبادت‌ها و سنت پیامبر و معصومان علیهم السلام بوده که از این امر در آیات و روایات به عنوان احسان یاد شده است.

اما این احسان چه ابعادی دارد و چطور می‌شود آن را در جامعه تسری داد؟ برای پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، سراغ حجت الاسلام و المسلمین محمدباقر علم الهدی تحلیلگر مسائل فرهنگی و اجتماعی و مدیر حوزه علمیه تخصصی حضرت قاسم ابن الحسن (ع) آمدیم و پای صحبت‌هایش نشستیم.

در قرآن، هم از احسان نام برده شده و هم از انفاق، این دو چه تفاوتی با هم دارند؟

بحث احسان کردن به یکدیگر مردم را در جامعه کنار هم می‌بندد و به دنبال ایجاد صمیمیت در جامعه است. انفاق هم به همان معنای احسان است اما در واقع احسان، کمک کردن و اقدام خدایسندانه است بدون انتظار و منت و بازگشت اما انفاق بدین شکل است که افراد کار نیکی را انجام می‌دهند اما انتظار و چشمداشتی ندارند، حالا این بازگشت و چشمداشت یا به شکل بازگشت آن کار است و گرفتن یکسری کارهای معنوی یا منت گذاشتن یا خودنمایی.

انفاق در واقع يك معنای عام دارد؛ هم شامل کارهای نیک بدون چشمداشت است و هم شامل خدمات و دستگیری‌هایی است که هدفمند و برای برگرداندن و چشمداشت انجام خدمات متقابل است. اما احسان در حقیقت کمک‌رسانی و نیکی کردن و خدمت به دیگران است بدون هیچ‌گونه چشمداشتی و فقط به جهت رضای خداوند.

چه چیزهایی مناسب احسان کردن هستند؟

قطعا ما آنچه را که در توانمان هست، توصیه اکید داریم که در راه خدا احسان کنیم اما احسان دارای درجات و مراتبی است. عالی‌ترین درجات از احسان این است که انسان از آنچه دوست دارد و به آن علاقه دارد در راه خدا انفاق کند. اینکه ما وسیله‌ای را نخواهیم و بخواهیم آن را دور بیندازیم اما بگوییم که حالا آن را به کسی ببخشیم خب، این هم خوب است اما بهترین مدل احسان همان است که ما آنچه را که دوست داریم در راه خدا انفاق کنیم.

مولای متقیان علی (ع) و فاطمه زهرا (س) هم درحالی که نان سفره افطار را دوست داشتند آن را در راه خدا انفاق کردند. انفاق این چنینی است که بسیار مورد توجه است. قرآن کریم هم می‌فرماید: «انسان به آن درجه‌عالیه از انفاق نمی‌رسد مگر آنکه از آنچه دوست دارد در راه خدا انفاق کند».

یعنی اگر وسیله‌ای داریم و به آن نیازی نداریم، آن را ببخشیم ارزشی ندارد؛ مثل دیوار مهربانی؟

نه، عرض کردم ما هر آنچه را که در راه خدا و کمک به دیگران ببخشیم کار ارزشی و پسندیده‌ای است اما کار ارزشمندتر آن است که انسان آنچه را که خودش دوست دارد در راه خدا ببخشد.

ما در قرآن می‌بینیم که خدا به احسان و انفاق آشکار و پنهان امر کرده است. مرز این دو کجاست؟

هنگامی که با آشکارکردن خدمات خودمان مردم را هم به انجام امور خیر ترغیب می‌کنیم مشکلی ندارد، مانند زمانی که مدرسه‌ای را می‌خواهند در منطقه‌ای محروم بسازند و فردی بخشی از هزینه‌ها را می‌پردازد و به سایرین اعلام می‌کند تا آنها هم در این موضوع شریک شوند. اینگونه موارد اشکالی ندارد بلکه جنبه مثبت و نیکویی هم دارد. یا مثلا

توصیه شده که شما اذان را برای نماز مغرب و عشا بلند بخوانید، حالا ممکن است کسی بگوید من بلند نمی خوانم، یا می شود و دیگران طور دیگر فکر می کنند اما بلند گفتن اذان در اینجا برای آگاهی دیگران است که آنها هم بشنوند و بیایند و نماز بخوانند.

اما گاهی افراد می خواهند خودنمایی کنند یا آن افراد نیازمند را تحقیر کنند و یا حتی کسانی هستند که کمک می کنند به این نیت که بذریهائی را بکارند که در آینده آن را درو کنند و انتظار پاسخ از طرف مقابل یا دیگران را دارند. عده ای هم کمک می کنند که همه جا در تمام موفقیت های آینده آن فرد شریک باشند و مثلاً بگویند که من باعث شدم که تو پزشک یا مهندس بشوی، قطعاً اینگونه موارد شیطانی است و قرآن هم در این باره می فرماید: «ای مسلمان ها صدقات و خیرات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن مخاطبین تان از بین نبرید.»

بعضا شنیده ایم که برخی هنگام کمک کردن می گویند که نمی دانیم طرف مقابل نیازمند است یا خیر و همین باعث می شود که کمک نکنند، نظر شما در این باره چیست؟

قطعاً کمک کردن ضوابط و شرایطی دارد که اگر رعایت نشود ممکن است اثر عکس داشته باشد یا ضد تبلیغ باشد، مثلاً در همین کمک رسانی به مردم نباید موجبات تنبلی و تن پروری دیگران را سبب شویم یا اینکه آن فرد متوقع شود و همیشه انتظار کمک داشته باشد. می گویند شما اگر می خواهید به کسی انفاق کنید باید اهلیت انفاق را داشته باشد. گاهی هم شما آدمی را می بینید که از لحاظ ظاهری مشکلی ندارد و نمی دانید که نیاز به کمک دارد یا نه. گاهی هم فردی شغلی ندارد و کمک می خواهد شما کمک می کنید سر کار برود و این باعث می شود که این آدم کاسب بشود.

بعضی مواقع کمک کردن به بعضی از مدعیان فقر آنها را تن پرور می کند و راحت طلب. آن کسی را که ما نمی شناسیم، می توانیم تحقیق کنیم و مؤسساتی هستند که تیم های تحقیق کافی و مفید دارند و می شود به آنها مراجعه کرد. آن مؤسسه براساس شرایط و تحقیقاتی که انجام داده کمک های ما را به نیازمندان می رساند.

خود ما هم می توانیم تحقیق کنیم؟

بله می توانیم، به شرطی که مردم و آن افراد را اذیت نکنیم و آبروی مؤمن را نریزیم. باید مراعات کرد. اینقدر ظریف اقدام کرد که به زندگی و حریم شخصی و آبروی او لطمه ای وارد نشود.

به نظر شما تکرار انفاق و احسان چه اهمیتی در زندگی ما دارد؟

انفاق یک ویژگی است که برای یک بار کافی نیست، مثل دید و بازدید و صله رحم. تکرار انفاق هم مثل سایر کارهای نیک پسندیده است و اثرگذار و سفارش شده. تکرار این کار قطعاً باعث می شود چنین امری به هنجاری دینی و اجتماعی بدل شود و به مرور زمان کار خیرکردن و احسان در همه شئون زندگی مردم جامعه جاری می شود.

بعضی از افراد چون انفاق یا احسان می کنند تصور می کنند که دیگر باقی موازین شرعی از گردن آنها ساقط می شود نظراتان در این باره چیست؟

مسائل شرع و گزاره های دین یک مجموعه است، ما نمی توانیم بخش هایی از این مجموعه را انجام ندهیم و انتظار به کمال رسیدن و نتیجه را داشته باشیم. موازین دین مانند حلقه های یک زنجیر است؛ اگر هر یک از حلقه های زنجیر باز شود کارکرد تمام زنجیر مختل می شود و مشکل پیدا می کند. نمی شود کسی بگوید من نماز می خوانم اما کاری با فقر مردم نداشته باشد یا بالعکس. اگر نماز می خوانیم تا جایی که دستمان می رسد و توان کمک کردن را داریم، باید کمک کنیم.

قطعاً احسان کردن اثرات تربیتی خودش را هم خواهد داشت...

بله همینطور است؛ از مهم ترین اثرات تربیتی احسان کردن این است که انسان را از انزوا خارج می کند، از بی مسئولیتی در قبال مشکلات و چالش های جامعه خارج می کند و او را با معضلات و مسائل جامعه درگیر می کند. افرادی که وارد این عرصه اخلاق مدار و خیرخواهانه می شوند درآشنای مشکلات جامعه هستند. فقط به فکر خودشان

نیستند و زندگی شان را برحسب دردهای جامعه می چینند. برای دردها تلاش می کنند و خودشان را در برابر سختی ها و مشکلات جامعه موظف می دانند. اگر يك نفر هم در خانواده این چنین باشد سایر افراد هم متأثر می شوند.

وقتی تمام خانواده ها و آحاد افراد نسبت به مشکلات جامعه احساس مسئولیت کنند، دیگر اینقدر مشکلات و سختی ها را نخواهیم دید. همه خودشان را در برابر مشکلات جامعه موظف و مسئول می دانند و تمام تلاششان را می کنند. می دانیم احسان کردن فقط پول و کمک مادی نیست،

گاهی فردی با يك مشاوره ارزشمند و با قراردادن تجربیات ارزشمند خود پیش پای جوانان، راه های ارزشمندی را برای آنها ایجاد می کند و گره از مشکلاتشان باز می کند و این بسیار ارزشمند است. یکی از احسان ها، احسان فکری و خدماتی است. محسنین فقط پولدارها نیستند، گاهی فردی پولی برای کمک ندارد اما آبرو و اعتبار دارد می تواند از آبرو و اعتبارش برای کمک به دیگران استفاده کند.

بعضا در رسانه ها می بینیم که برای ترویج این موضوع افراد نیازمند را نشان می دهند، آیا این درست است؟

اگر ما نیازمندان را به خاطر اهداف خودمان نشان دهیم درست نیست؛ هم به لحاظ اخلاقی و هم عرفی و اجتماعی. گناه هم است. اما گاهی بعضی افراد خودشان را قربانی می کنند، به طور مثال بعضی افرادی که اعتیاد داشته اند و با راهکارها و تلاش بسیار از این دام رها شده اند، بعد از رهایی، آزادانه می آیند و می گویند و چهره شان را هم نشان دهند تا به سایرین کمک کنند، اینگونه افراد درواقع ایثارگرانی هستند که می خواهند ساحل دنج نجات را به همه نشان دهند. در واقع احسان هم کرده اند، آنها به دنبال تشویق مردم به سمت نتیجه کار درست هستند.